

«علی اکبر اسماعیل پور»، فعال حقوق کودک ومدير موسسه «ندای ماندگار» در دروازه غار درباره نحوه اجرای پیمان نامه حقوق کودک در ایران به «همهمین» می گوید: «کشور ما از سالال ۱۳۷۳ پیمان نامه جهانی حقوق کودک را پذیرفته وبهصورت مشروط ملزم به اجرای مفاد آن است. این طولانی ترین مدتی است که یک کشور پیمان نامه جهانی حقوق کودک را پذیرفته و درصد بسیار زیادی از مفاد آن را هنوز اجرا نکرده است. ما شاید از معدود کشورهایی باشیم که بعد از این همه سال پذیرش پیمان نامه حقوق کودک، رسانه ملی اجازه نام بردن از پیمان نامه را ندارد و هیچ گاه مفاد آن را بهصورت رسمی از رسانه های رسمی و دولتی ترویج نکرده ایم؛ در حالی که دولت ها مکلف اند بعد از پذیرش، مفاد آن را تبلیغ و ترویج کنند.» به گفته او، هنوز هم در مدارس، معلمان اجازه ندارند از مفاد این پیمان نامه بگویند؛ «نکنه اینجاست که وقتی بعد از ۳۰ سال از پذیرش یک تعهد بین المللی، حتی نام بردن از اسم آن ممنوع است، با این شرایط اجرای مفاد آن چگونه امکان پذیر خواهد بود؟»

او می گوید از جمله موارد مهمی که در پیمان نامه به آن پرداخته شده، آموزش، تغذیه سالم، بر خورداری از رفاه و در نظر گرفتن منافع عالی کودکان در تصمیم گیری های اقتصادی و اجتماعی دولت هاست؛ «با وجود تاکید بر این موارد در پیمان نامه، شاهدیم که در موارد بسیار مهمی مانند آموزش، تحصیل، برخورداری از بهداشت و تغذیه سالم، ه و او محیط زیست مناسب کم کاری و غفلت کردیم و نتوانستیم شرایط مطلوبی برای زیست کودکان فراهم کنیم. بسیاری از کشورها بعد از پذیرش پیمان نامه، مفاد آن را به شکل قانون رسمی وضع کرده اند، با اینکه صرف پذیرش پیمان نامه و وضع قانون نمی تواند شرایط کودکان را بهبود بخشد. اگر دولت ها در راستای مفاد پیمان نامه حرکت می کردند اتفاقات بهتری در زمینه حقوق کودکان رخ می داد.» به گفته این فعال کودکان، به نظر می رسد که دولت ها در ایران طبق یک دستورالعمل ناتمامشده، هر سال از روند اجرای مفاد پیمان نامه توسط نهادهای مسئول مانند بهزیستی، گزارش عملکرد می دهند اما در عمل تغییری رخ نمی دهد: «یونیسف هم به عنوان یک نهاد نظارتی در حال حاضر یکی از متغفل ترین نهادهای این حوزه در کشورهایی مانند ایران است؛ در حالی که نقش نظارتی این نهاد، در کشورهایی مانند ایران است که معنا پیدا می کند. این نهاد در ایران به جای همکاری بیشتر با نهادهای مدنی، با نهادهای دولت ساخته و تعداد معدودی انجمن که مجوز همکاری با این سازمان را دارد، همکاری می کند.» این فعال مدنی علت پایدار ماندن مسائل کودکان در ایران را نبود یک ساختار منسجم در کشور برای احقاق حقوق کودکان و نوجوانان می داند: «این نهاد می تواند یک شورای عالی حقوق کودکان یا یک وزارتخانه باشد. بعد از پذیرش پیمان نامه حقوق کودک، باید یک شورای عالی زیر نظر ریاست جمهوری ایجاد می شد تا به صورت مستقل مسائل مربوط به کودکان را پیگیری کند و همه مشکلات آنها، از عدالت آموزشی و تغذیه تا کودکان آزاری و خشونت علیه کودکان، در این سازمان رسد، اما در حال حاضر تنها نهادهای مدنی در این زمینه فعالیت می کنند که آنها هم تحت نظارت های بسیار شدید، کمبود شدید امکانات مالی و مسائل مختلف به سختی در این زمینه تلاش می کنند و در تمام این سال ها تنها بوده اند.»

اسماعیل پور درباره مصادیق رعایت نشدن حقوق کودک در ایران هم می گوید: «فقر غذایی یکی از مسائل جدی در زمینه حقوق کودک است و فقط به معنی نخوردن غذا نیست. ما با یک ضعف شدید ساختاری رفاهی روبه روییم که نتوانسته امکانات حداقلی را برای تغذیه همه کودکان ایجاد کند و حالا در بعضی از استان ها کودکان به صورت یکسان از وعده های غذایی بهره مند نمی شوند. نمونه آن مطالعه ای است که از سوی وزارت بهداشت درباره رشد قدی کودکان در جنوب کشور انجام داده که طبق آن، میزان رشد قدی کودکان با سن آنها متناسب نیست که به سوء تغذیه برمی گردد.» به گفته او، کودکی که مواد مغذی حداقلی را دریافت نکند، با افت تحصیلی و در نهایت ترک تحصیل روبه روی می شود و حتی ممکن است به آمار کودکان کار اضافه شود؛ «باید حداقل تغذیه را برای کودکان در مدارس فراهم کنند، به ویژه در مناطق فرودست و حاشیه ای که بی عدالتی اجتماعی در آنها نمود بیشتری دارد. مادر محلاتی که حضور داریم مثل دروازه غار تهران، می بینیم که بسیاری از کودکان علائم جدی سوء تغذیه دارند و به همین دلیل حداقل یک وعده غذایی برای آنها فراهم می کنیم که در موسسه دوام بیاورند. ما سوء تغذیه را در چهره همه کودکانی که به ما مراجعه می کنند، می بینیم و با خانواده هایی روبه روییم که ماه هاست از گوشت و اقلام پروتئینی استفاده نکرده اند. این شکل جغیعی از بی عدالتی است که نسبت به آنها وجود دارد.»

▼ کودکان مهاجر در ایران؛ محروم از تحصیل و کودکی

امسال از خردادماه، تعداد زیادی از مهاجران افغانستانی از ایران ردمرز شدند و این موضوع باعث شد بسیاری از کودکان از تحصیل بازمانند. کودکانی که علاوه بر فشارهای اقتصادی، با ترس و دلهره ناشی از ردمرز شدن مواجه و بسیاری از آن ها خانه نشین شدند. «اگریمه رستمی»، معلم انجمن باری که ۱۱ سال با کودکان کار افغانستانی در مناطق «گلدسته»، «صباشهر» و «شاهدشهر» کار کرده، به «همهمین» می گوید: «اکثر کودکانی که با آن ها در این سال ها مواجه شده ام، کودکان بازمانده از تحصیل هستند. بسیاری شان کودکان افغانستانی و بدون مدارک هویتی اند که به دلایل عمدتاً اقتصادی از تحصیل جانمانده اند. یکی از مهم ترین چالش هایی که این کودکان با آن روبه رو هستند، فقدان مدارک هویتی و کار کردن است.» او ادامه می دهد: «فکر نمی کنم حتی یک درصد از این کودکان مشاوره های روان درمانی دریافت کنند. مراقبت های پزشکی و بهداشتی هم بسیار محدود است، مگر اینکه وضعیت کودک بحرانی شود. کمبودهای آهن و کلسیم در میان کودکان مهاجر بسیار شایع است و اغلب رنگ و روی پریده وزرد دارند، به ویژه دختر بچه ها.»

به گفته او، کودکان کار افغانستانی، هنگام کار با تعرضات جنسی مواجه می شوند و از لحاظ روانی، تحت فشارند؛ «آن ها همچنین

به دلیل کار از ستنن پایین، با مشکلات تغذیه ای روبه رو هستند. کمبود ریزمغذی ها در بین این کودکان شایع است وبر یادگیری آن ها تأثیرگذار است. بسیاری از این کودکان توان یادگیری را بالای دارند، اما وضعیت اقتصادی، ساعات طولانی کار وسوءاستفاده برخی کارفرمایان، باعث می شود از تحصیل بازمانند.» رستمی تاکید می کند مهم ترین حقی که این کودکان از آن محرومند، حق زندگی آزادانه وبدون ترس است: «انگار آنها همیشه موجودی اضافه اند. روز جهانی کودک شاید برای کودکان در بسیاری از نقاط دنیا مفهومی قشنگ داشته باشد، اما برای کودکان مهاجر در ایران، روز زیبایی نیست. چراک کودکان باید تحت تأثیر افکار و عقاید سیاسی قرار بگیرند؟ چرا کودکان مهاجر باید تحقیر شوند؟ چرا تفاوت میان دانش آموزان ایرانی و افغانستانی این قدر زیاد است؟ این کودکان فقط می خواهند زندگی و کودکی کنند.» «الیه فرنیبا»، معلم دانش آموزان افغانستانی در مناطق روستایی کردان کرج و ساوجبلاغ هم به «همهمین» می گوید که بسیاری از کودکان مهاجر، امسال از تحصیل با مانده اند. او می گوید حتی کلاس های چندپایه ابتدایی که پیش تر برای کودکان ایرانی و افغانستانی به صورت مشترک برگزار می شد، امسال تشکیل نشده است: «در ساوجبلاغ تعداد زیادی از خانواده های افغانستانی زندگی می کنند و تقریباً همه کودکان افغان نتوانستند امسال در مدارس ثبت نام کنند. کودکانی که تا پایهای نهم و دهم درس خوانده بودند، امسال به مدرسه نرفتند. عملاً کلاس های اول، دوم و سوم بسیاری از دبستان ها در روستاها برگزار نشد؛ زیرا دانش آموزی برای حضور در کلاس ها نبود.» او درباره نقش عوامل اقتصادی واجتماعی می گوید: «کودکان پسر زودتر تحصیل راها می کنند و درگیر کار برای کمک به اقتصاد خانواده می شوند. کودکانی که در خانواده های پرجمعیت و فقیرتر زندگی می کنند، معمولاً نمی توانند تحصیلات متوسطه خود را تکمیل کنند.» مسائل تغذیه ای و بهداشتی هم یکی از مشکلات جدی این کودکان است. فرنیبا توضیح می دهد: «این کودکان معمولاً گوشت و مرغ نمی خورند و حتی به حبوبات هم دسترسی ندارند. ظاهرشان ضعیف است و قد کوتاهی دارند. خدمات بهداشتی و پزشکی برای این کودکان و خانواده هایشان بسیار محدود است.» به گفته او، مهم ترین حقی که این کودکان از آن محرومند، حق تحصیل است: «تصمیم دولت برای محدود کردن ثبت نام مهاجران افغانستانی باعث شد که بسیاری از کودکان از حضور در محیط های آموزشی بازمانند. حتی کلاس های خانگی که برای این کودکان برگزار می شد، نتوانست جایگزین مدارس شود و بسیاری از آن ها عملاً از آموزش محروم شدند.»

▼ ۶۴ هزار کودک کشته شده، ۶۰۰ هزار کودک محروم بازمانده از تحصیل

دوسال درگیری و جنگ در غزه، آثار فجیعی بر زندگی کودکان غزه داشت؛ یونیسف در گزارشی که ماه پیش از وضعیت کودکان غزه بعد از اعلام آتش پس منتشر کرده، نوشته که عملیات های نظامی اسرائیل در نوار غزه، به ویرانی گسترده انجامیده است. کودکان، رنجی غیر قابل تصور را تحمل کرده اند؛ گزارش ها نشان می دهد بیش از ۶۴ هزار کودک کشته یا زخمی شده اند و بیش از ۵۸ هزار کودک یکی از والدین خود را در جریان درگیری از دست داده اند. شهرهای کامل با خاک یکسان شده و نظام های حیاتی از بین رفته اند. یک میلیون کودک روزانه با وحشت هایی روبه رو بوده اند که زندگی در «خطرناک ترین مکان جهان برای کودک بودن» به همراه دارد و وحشت هایی که آنها را با زخم های عمیق از ترس، فقدان و سوگ رها کرده است.

«بیسان یونس»، یکی از این کودکان است که به آسوشیتدپرس از حال وروز این روزهایش بعد از آتش پس بین حماس و اسرائیل گفته؛ او در حالی که با حالتی افسرده در میان گروهی از چادرها، جایی که در میان ویرانه ها و آوار قرار داشت، گفته بیشتر مدارس نابود شده اند؛ «هر مدرسه ای که می روم، می گویند جا نداریم.» آتلور که این خبرگزاری گزارش داده، بیش از ۶۰۰ هزار کودک فلسطینی در غزه طی دوسال گذشته به دلیل جنگ بین اسرائیل و حماس از تحصیل بازمانده اند، در حالی که تنها حدود ۱۰۰ هزار کودک توانسته اند دوباره به مدرسه برگردند. آن ها به جای درس خواندن و وقت گذرانی با همسالان، بارها آواره شده اند، از حملات هوایی و گلوله باران گریخته اند و بسیاری از روزهای خود را صرف پیدا کردن آب و غذا برای خانواده هایشان کرده اند. «جان کریکس»، سخنگوی یونیسف گفته که بازگشت سریع کودکان به کلاس ها ضروری است؛ نه فقط برای آموزش پایه، بلکه برای سلامت روان آن ها: «در هفته های پیش رو، اگر آموزش ارائه ندهیم، ممکن است پیامدهای وحشتناکی برای یک نسل کامل به وجود بیاید.» دراین میان آژانس سازمان ملل برای اورگان فلسطینی، برای حدود ۴۰ هزار دانش آموز از طریق معلمان قراردادی خود آموزش هایی ارائه می دهد. کریکس می گوید: «عملاً چادرهایی هستند که میان چادرهای اورگان نصب شده اند یا سازه های پیش ساخته و پناهگاه های ساده. آموزش بسیار ابتدایی و حداقلی است.» حتی کودکانی که موفق به ثبت نام در این مدارس موقت می شوند، با بار سنگین روانی ناشی از جنگ و آوارگی روبه رو هستند. آژانس های سازمان ملل می گویند در تلاش اند که میزان خسارت ها و هزینه ها را ارزیابی کنند اما باتوجه به اینکه آتش پس هنوز در مراحل اولیه است، بازسازی غزه شروع نشده و کارشناسان سازمان ملل می گویند، این روند ممکن است سال ها طول بکشد و حدود ۷۰ میلیارد دلار هزینه داشته باشد. یکی از آوارگان، «تحریر العونی»، می گوید احساس گناه می کند اما چاره ای ندارد: «من در یک کلاس درس زندگی می کنم؛ کلاسی که باید معلم، دانش آموز و تخته سیاه داشته باشد.» العونی می گوید، برای ثبت نام سه دختر و یک پسرش که در مقطع ابتدایی و راهنمایی اند، با مشکل روبه روست. او حتی به مدیر یکی از مدارس گفته بود که خودش یک صندلی و میز برای دخترش پیدا می کند، اما با این حال پذیرش نشدند: «بچه ها هر چیزی که ایا داشته گرفته بودند، فراموش کرده اند. زندگی آن ها در دو سال گذشته این بوده: آب پیدا کنند، دنبال خوروهای کمک رسان بودند، جنگ، حماس، گلوله باران



علی اکبر اسماعیل پور
فعال حقوق کودک
و مدیر موسسه
«ندای ماندگار» در دروازه غار؛
ما در محلاتی که حضور داریم مثل دروازه غار تهران، می بینیم که بسیاری از کودکان علائم جدی سوء تغذیه دارند و به همین دلیل حداقل یک وعده غذایی برای آنها فراهم می کنیم که در موسسه دوام بیاورند. ما سوء تغذیه را در چهره همه کودکانی که به ما مراجعه می کنند، می بینیم و با خانواده هایی روبه روییم که ماه هاست از گوشت و اقلام پروتئینی استفاده نکرده اند

شنبه ۱ آذر ۱۴۰۴
 سال چهارم ـ شماره ۹۳۸
 www.hammihanonline.ir

ویرانی. «العونی، مانند بسیاری از خانواده هایی که مشتاق بازگشت فرزندانشان به مدرسه اند، هنوز امیدوار است: «من می خواهم بچه هایم مثل پدرشان که دانشگاه را تمام کرد، آینده داشته باشند. دخترانم می خواهند پزشکی یا مهندس شوند. آن ها آرزو دارند. اما اگر به مدرسه نروند، هیچ آینده ای نخواهند داشت.»

▼ دو مطالبه بزرگ برای نجات کودکان

گزارش جدید یونیسف در حالی از فقر گسترده جهانی در بین کودکان گزارش داده که اواخر ماه آگوست همین امسال، نشریه «النسٓت» گزارشی منتشر کرد که نشان می داد، کاهش شدید بودجه آژانس توسعه بین المللی آمریکا (USAID) می تواند منجر به بیش از ۱۴ میلیون مرگ اضافی تا سال ۲۰۳۰ شود. از این تعداد مرگ، حدود ۴/۵ میلیون کودک زیر ۵ سال پیش بینی شده اند. این مطالعه با استفاده از مدل سازی پیش بینی (forecasting models)، دوسناریو را در نظر گرفته؛ ادامه تأمین بودجه در سطح سال ۲۰۲۳ یا کاهش شدید آن (طبق قطع بودجه اعلام شده). محققان می گویند، قطع این بودجه باری قابل پیشگیری و آگاهانه است و تأثیر آن بر کشورهایی با درآمد کم و متوسط، «قابل مقایسه با یک همه گیری جهانی یا یک درگیری بزرگ مسلحانه» خواهد بود. در دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱، طبق این مطالعه، بودجه USAID موجب پیشگیری از حدود ۹۱ میلیون مرگ در کشورهای کم درآمد متوسط شده است. مرگ ومیرهای کاهش یافته با بودجه USAID مربوط به بیماری هایی مثل ایدز، مالاریا، بیماری های گرمسیری فراشود شده، سل، عفونت های تنفسی و بیماری های تغذیه ای بوده اند. گزارش «وضعیت کودکان جهان ۲۰۲۵» یونیسفا اما تأکید کرده که پایان دادن به فقر کودکان کاملاً دست یافتنی است و بر اهمیت محور قراردادن حقوق کودک، مطابق با کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل در تمام سیاست ها و برنامه های کاهش فقر تأکید می کند. از جمله؛ با تبدیل پایان دادن به فقر کودکان به اولویت ملی، گنجاینن نیازهای کودکان در سیاست ها و بودجه های اقتصادی، ارائه برنامه های حمایت اجتماعی شامل کمک های نقدی به خانواده ها، گسترش دسترسی به خدمات عمومی حیاتی مانند آموزش، سلامت، آب، بهداشت، تغذیه و مسکن و ترویج اشتغال شایسته برای والدین و مراقبان به منظور تقویت امنیت اقتصادی خانواده. «کاترین راسل»، مدیر اجرایی یونیسف می گوید حتی پیش از بحران جهانی تأمین مالی، بسیاری از کودکان از نیازهای پایه ای خود محروم بودند و اکنون خطر بدتر شدن اوضاع وجود دارد: «امروز زمان عقب نشینی نیست، باید بر پیشرفت هایی که طی سال ها برای کودکان به دست آمده است، بنا کنیم. دولت ها و کسب وکارها می توانند با تقویت سرمایه گذاری در خدمات کلیدی برای حفظ سلامت و امنیت کودکان و تضمین دسترسی آن ها به نیازهای اساسی مانند تغذیه مناسب، به ویژه در شرایط شکننده و بشردوستانه این کار را انجام دهند. سرمایه گذاری در کودکان، سرمایه گذاری در جهانی سالم تر و صلح آمیزتر برای همه است.»



شرکت ملی پست
 جمهوری اسلامی ایران

یادداشت

ستاد فر به، مدرسه نحیف

کوچک سازی از پشت میزها شروع می شود نه از مدارس



نرگس ملکزاده

کارشناس آموزشی

در حالی که معاون رئیس جمهور از «کوچک سازی وزارت آموزش و پرورش» سخن می گوید، اصل مسئله نه خصوصی سازی است، نه تضعیف مدارس دولتی؛ مشکل واقعی، فرقه ای مزمن ستاد و انباشت نیروهای بدون مأموریت مشخص است؛ ساختاری که سال هاست نفس آموزش و پرورش را گرفته و اجازه نمی دهد مدرسه یعنی محل واقعی تربیت ـ نفس بکشد. ستاد امروز به جای آنکه اتاق فکر، مرکز راهبری و پایش کیفیت باشد، انباری از ادارات، پست ها، شوراهای کمیته ها و مسئولیت های بی سرنوشت شده است اتاق هایی که خروجی مشخصی ندارند، اما هزینه دارند؛ جلساتی که تصمیم تولید نمی کنند اما زمان می بلعند؛ جایگاه هایی که بیشتر عنوان اند تا کارکرد. همین فر به گی است که باعث شده انرژی، بودجه و نیروهایی که باید در مدرسه خرج شوند، در راهروهای طولانی ستاد تلف شوند. کوچک سازی اگر قرار است معنا پیدا کند، باید از همین نقطه شروع شود؛ از حذف موازی کاری هایی که سال هاست تبدیل به قله های کوچک مدیریتی شده اند. از کنار گذاشتن مسئولانی که «برنامه» را فقط در شعار دارند اما نه مأموریت دارند، نه ارزیابی پس می دهند، از بازگشت نیروهای ستادی بی کارکرد و راهرو گرد به کلاس هایی که سال هاست با بحران معلم مواجه اند. از خداحافظی محترمانه و بازگشت به خانه با بازنستته های که حضورشان نه تنها مشکلی را حل نمی کند، بلکه راه را بر جوان سازی و کارآمدسازی می بندد. آموزش و پرورش چابک یعنی مدرسه محور شدن، یعنی انتقال اختیار از ساختمان های اداری به حیاط مدرسه، یعنی هزینه کردن نیروی انسانی در جایی که اثر تربیتی دارد، نه در واحدهایی که وجودشان فقط به این دلیل ادامه یافته که کسی جرأت جراحی نداشته است. نقد اصلی این است؛ تا زمانی که ستاد فر به بماند و بار سنگین خود را بر دوش مدارس بگذارد، کوچک سازی فقط یک عنوان زیبا خواهد بود. جراحی ساختار اداری باید واقعی، عمیق و بی ملاحظه باشد؛ در غیر این صورت، چابک سازی فقط یک شعار تازه روی یک سیستم فرسوده خواهد بود.

مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی کیفی (تجدیدشده) برونسپاری توزیع مرسولات وارده شهرستان قدس

شرکت ملی پست جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی کیفی (تجدید شده) برونسپاری توزیع مرسولات وارده شهرستان قدس، را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به شماره ۰۵۶۷۰۰۰۰۵۱/۲۰۰۴۰۰۳۰ برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشائی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

▲ **تاریخ انتشار مناقصه در سامانه: روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۱**

▲ **مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: از ساعت ۱۹ روز پنجشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۶**

▲ **مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: تا ساعت ۱۶ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۲**

▲ **زمان بازگشائی پاکت ها: ساعت ۸ روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۶**

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت های الف به آدرس: تهران میدان رسالت - ابتدای خیابان نیروی دریایی- نبش کوچه سهند - ساختمان شرکت ملی پست - طبقه دوم منطقه پستی شمال شرق تهران – دبیرخانه کمیسیون معاملات ارسال نمایند.

م ف ام: ۳۱۳۳ شناسه اگهی: ۲۰۵۲۵۵۵

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله ای یکپارچه (پیشنهاد ارزی و پرداخت ریالی)

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد اقدام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل بصورت برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله ای یکپارچه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تامین نماید:	
شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	شماره مناقصه و تقاضا
شماره مناقصه و تقاضا	موضوع مناقصه /شرح مختصر اقلام درخواستی
تقاضای AGH-۳۳۴۷۳۳-۰۳۴۸۰۱۷/۰۳۴۸۰۱۷-۰۰۴۰۰۶۲۲ M مناقصه شماره ۰۴/۴۱	مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار
شماره مناقصه و تقاضا	نوع تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار
مبلغ برابردی مناقصه	مبلغ برابردی مناقصه
بنا به درخواست فروشنده، حد اکثر (۲۵٪) بیست و پنج درصد مبلغ معامله را بعنوان پیش پرداخت در اختیار تضمین معتبر مطابق بند پ ماده ۶ آیین نامه تضمین شماره ۰۴/۱۳۳۴۸۰۱۷/۰۳۴۸۰۱۷-۰۵۶۵۹ ترسوخمروخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران به فروشنده پرداخت می نماید.	پیش پرداخت
ه روز پس از درج نوبت دوم آگهی در صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد ایران می باشد.	آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی در سامانه ستاد
ظرف مدت و هفته پس از انقضای مهلت دریافت اسناد می باشد.	آخرین مهلت بازگداری و ارسال مستندات ارزیابی کیفی (روزمه) در سامانه ستاد
ظرف مدت و هفته پس از انقضای مهلت دریافت اسناد می باشد.	آخرین مهلت بازگاری پیشنهادات فنی/ مالی در سامانه ستاد
آدرس مناقصه گزار	استان بوشهر- شهرستان عسلویه- شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی- ساختمان اداری مرکزی ستاد- مدیریت بازرگانی- اداره خرید- گروه خرید مکانیک بدکی

▲ بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: WWW.SETADIRAN.IR انجام می پذیرد وپه پیشنهاد های خارج از سامانه ستاد هیچگونه تریب آثری داده نخواهد شد و مناقصه گران بااستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند.
▲ مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن های۰۲۲۲۹-۳۳۳۳۵-۷۷۳۳۳ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

شناسه آگهی: ۲۰۵۴۳۷۵